

دعای الغنہ ۱۵۷۲

نور ۱۳۷۷

مراد جان عزیز . نوروز باستانی را بگو عزیزم و خا کوزه ناز
تیریک سگیم . واسه درم که صد سال بی ساهای
عزیزم منی دم برای شاه یک یک تنگ شه ولی چه بود کرد
زندگی برای ، چینی است نصف غنای آنوقت نصف
انگوش ولی بر وقت و کلمه و شکایت نکرد .
مراد جان جیب هزار ریاضی برده بودم برای دو هفته
سال . برای خنجر که نه آدم است و نه نمی آید .
فقط نازش محلی های خوب با آن دها و صد آلتاکی
واقعی و حیوانات که هزار هزار بار از این آلتاکی
دروغی امروز که تمام ماسک - بچره در بند لهر لهرند
و بر فراوان آمده بود و القدر جگر زباید وقت
شد بود که صد نداشت دو هفته ای آنجا بودم

